

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

قواعد مدیریت دانش مفید

Useful knowledge rules management

UKRM

Authored by Mahmoud Saneipour

2019

رساله سیزدهم

Sixth discourse

بررسی الگوهای جهانی مدیریت دانش مفید

Global paradigm consideration



Mahmoud Saneipour

www.elmemofid.com

mahmoudsaneipour@gmail.com

+98-912-119-5673

تمدن آینده جهان بر اساس استاندارد های معنوی ، ایجاد پروژه های یقینی ، منطقه ای و بین المللی و هرمنوتیک قواعد مدیریت دانش مفید و احکام حکیمانه و با احکام دارای مصداق در حال شکل گیری است ، همه ظرفیت و امکانات برای تشکیل این تمدن آماده است ، بازیگران سیاسی جهان در افول هستند، این تمدن ، بازیگران خود را آشکار میسازد

The future civilization of the world based on spiritual, standards and creation of certain projects, regional and international and harmonic UKRM and Wise and truth commandments is being formed, the capacity and possibilities for this civilization are ready, the world's

political actors are on the decline, this civilization, the actors reveal themselves.

Date:10/1/2019

فهرست مباحث

خلاصه-صفحه 3

بحث اول: شناخت شناسی حکیمانه دانش مفید چیست؟ در مدیریت تحول تاریخی جهان - صفحه 5

بحث دوم: سازمان های روزمره از سرمایه های پروازی محروم هستند و مدیر اتومبیل

قدیمی و بدول بال را میراند-صفحه 14

بحث سوم :ارقام گزارشات سازمان ها بدون شاخص ها، معیارها ، مناط ها، اعداد بی روحی هستند- صفحه 19

فلسفه وجودی شاخص ها- صفحه 20

معیار چیست و فلسفه رفع نقص از معیارها چیست؟صفحه 22

مناط چیست و چه نقشی در دانش مفید دارد؟-صفحه 23

مقیاس چیست و چه نقشی در دانش مفید دارد؟-صفحه 24

بحث چهارم: خلاقیت ، کارآفرینی ، بهره وری ، ارزش افزوده کارکردهای حقیقی را نشان میدهد- صفحه 24

بحث پنجم :سازمانها مسئول عدالت اجتماعی هستنداز طریق ایجاد زنجیره ها و خوشه های توسعه پایدار- صفحه 25

بحث های بعدی:

بحث ششم:ضرورت های اجتماعی به ایده پردازی برای شناخت عوامل همگرایی و هم افزایی نیاز دارد

بحث هفتم: سازمانها باید از آنچه خودشان مسبب آن شدند شکایت کنند نه چیز های دیگر

بحث هشتم : اصول تعلیمی دانش مفید

بحث نهم :گزارشات بانک ها و الگوریتم های یقینی

بحث دهم :مثلث های غرب ، حکایت از پایان تاریخ دارد ، نه مدیریت تحول، به دارانی های مشهود بیش از دارانی های نامشهود اهمیت میدهد

در رساله هشتم به بحث تکنیکی بیشتری در این موارد پرداخته میشود

ضمائم:

هزار تلاثی اول مولف (اقیانوس تسبیح)

کارنامه مولف (2000 اثر از مولف)

رزومه مولف

Contents

Abstract – page 3

First discussion: wisdom Epistemology what is Useful Knowledge? Of Change management in the world -page5

Second discussion: **the routine organizations are deprived from flight capital and manager is driver of the old car drives off the wings-**
page 14

Third discussion: The figures of organizations reports are lifeless numbers without Indicators, criteria and basis-page 19

The existence philosophy of indices -page20

What is a Criterion and what is the Philosophy of Criteria for Defectiveness?-page22

What is the basis and what role does knowledge play?-page23

What is scale and what role does it play in useful knowledge?-page 24

Fourth discussion: creation, entrepreneurship, productivity and value added Show successfully and truth functions-page24

Fifth discussion: the organizations are responsible about social justice by the way of creation chains and clusters in permanent development-page25

The next discussions:

Sixth Discussion: the social necessities need to brainstorm to understand the convergent and incremental factors

Seventh Discussion: Organizations have to complain from what they themselves caused no other things

Eighth Discussion: the essentials of training UKRM

Ninth discussion: the banks reports and certain algorisms

Tenth discussion: the West's triangles narrating of end of history, no change management, emphasis to Tangible capital than intangible wealth

The eighth treatise deals with a more technical discussion of these cases

Appendices: the thousand trilateral first from author (Ocean of praise)

Author's Booklet (2000 works by author)

Author's Resume

خلاصه

دنیای امروز نیازمند کمک های ویژه تعلیمی برای رهبری و مدیریت جوامع بشری است وگرنه نابودی خود را امضاء نموده است ،این رساله حاصل مساعی یک خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر بوده که در طول عمر خود هزاران کتاب ، مقاله ، رساله و نوشته های اصیل راز حکیمان ، فیلسوفان ، دانشمندان ، محققان ، و متخصصان موفق درجهان را مطالعه نموده و دراین مسیر به یادگیری از آموزه های گرانقدر متفکران و شایستگان تاریخ مبادرت نموده و آراء آنان را ارج نهاده و از این آموزه در سکوهای عمل بهره برده و در مسائل مدیریتی ، تدریس و سایر عمل کردهای اجتماعی استفاده کرده است و پس از این سیر و سلوک مادام العمری ، در 13 سال اخیر که از مسئولیت های

رسمی فراغت بال یافته است بر حسب تکالیف ذاتی ، ضمن جمع آوری یادداشت ها و هزاران نوشته و تحریرات خود ، از این دست آوردهای انبوه در تدوین مقالات (300 مورد) ، کارنامه 2000 اثر خود و بسیاری کتب و رسالات و نوشته های متنوع دیگر ، دست بکاری بزرگ زده و آن جمع آوری آموزه ها ، قاعده مند کردن آنها ، جدول بندی ، طبقه بندی و سایر تنظیمات (Regulation) به قصد اصلاح و رسیدن به حد مطلوب ها و ضرورت ها ، پیشگیری ها ، تمیز کاری های قانونی و مقررات یا قاعده گذاری بوده است که نیاز مبرم جوامع امروز بشری ، چه فردی ، سازمانی ، ملی و بین المللی میباشد و هیچ شخص حقیقی و حقوقی از دانستن آنها گریزی نیست .

Abstract

The present world needs to instructional especial helping for leadership and management in regarding to human societies and otherwise it has signed its destruction, this dissertation is the result of the efforts of an interdisciplinary expert and has been a lifelong learner hat in a self-lifetime studied thousands books articles, theories and classical written from wise men, philosophers, scientists, researches and successful specialists in the world and in this direction to embark upon an undertaking and learning of doctrines about Precious in history and honors their votes and benefit from this doctrine on the many platforms and used in the on managerial issues and other society problems and after this lifelong journey, in the last 13 years that eased from official responsibilities in terms of intrinsic assignments, while collecting his notes and thousands of posts and edits, has used from these massive achievements in wresting 300 articles , workbook 2000 of his work and other many books and discourses and several writtens ,so, great workmanship and It collects the teachings, rules them out and tabulation, classification and other Regulations with the intention of reforming and reaching the desired level and necessities, preventions, cleaning of legal working , instruments and making of rules that was an urgent need for individual, organizational, national and international and there is no escape No real and legal person to know them.

این آموزه ها (Doctrine) راهبردی و مدیریتی به صورت دستورالعمل ها در قالب قواعدی مسلم ، اصول یقینی و صادق تنظیم شده است و قابلیت تعمیم در فعالیت های اجتماعی – سیاسی اعم از دولتی و بخش خصوصی داشته و شمول آنها به کلیه ارگانها اقتصادی ، فرهنگی ، صنعتی ، خدمات مالی و بانکی و فعالیت تجاری و غیره را در بر میگیرد که از آن به قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) یاد شده است و در اجزاء به عناصر کیفی و کمی و با قابلیت داده پردازای تبدیل و سیستم های جامع و یک پارچه را ممکن میسازد بطوریکه بدون این رفتار سیستماتیک و دیده بانی دقیق و اخطار کننده و تا جای ممکن خود تمیز کننده و اصلاح ساز (Cleaner and Modifier) ، هیچ سازمانی قادر به ادامه پویای خود در تمدن آینده نخواهد بود و بدون این قواعد و ضوابط یقینی و متقن قادر به پیشگیری از خطاهای درونی و بیرونی نبوده و با اتکاء به سلاقی و انتزاعات ذهنی خود از خطراتی که هر سازمانی را در میدانی نبرد و کمینگاه های سوداگری های تهدید میکند در امان نخواهد بود ، یادگیری تمام آموزه در قالب قواعد و دستورالعمل ها در سکوهای عمل بوده و بر حسب شاخص هاس کیفی و کمی

که قابلیت تدوین استاندارد های معنوی و فیزیکی دارد ، بوده و در و در وضع قانون گذاری و مقررات نقش بارزی ایفاء میکند و یادگیری عام را توسعه میدهد [1].

These doctrines strategic and managerial it is set in the form of instructions in the form of rules and certain and truth principles and able to be generalized in social – political, legally and privately and their inclusion is related to all economic, cultural, industrial organs and services of finances, banking, trading activates and so on, as UKRM mentioned above and in qualitative and quantitative components and elements are possible for data processing and integrated -information systems, as without this systematic behavior and careful precision scanning, modifier and cleaner, no organization will be able to continue its dynamic in future civilization at all and without these rules and certain orders it was not to prevent internal and external errors and learning has been on the platforms in according of indices and standards and develops learning if all areas [1].

تکیه اصولی و پافشاری روی محرک ها ، انگیزش ها ، کنجکاوی ها و نظایر اینها بوده که عامل های اصلی توسعه و پیشرفت اشخاص ، سازمان ها ، کشورها و هر جمع خیر خواه را در اموری که بدان مسئولیت یافته است ، باید از پویائی ، چابکی ، خبرگی ، خلاقیت ، کارآفرینی ، غایت طلبی، منطقی بودن، خلق ارزش های افزوده و نظایر اینها با تعاریف حکیمانه بر خوردار نموده و مشتاقانه از آموزه های پروژه محور ، و تکنیک های فنی و ایده های جدید کارکنان بهره مند شوند و به مدل سازی منطقی روی آورده و با کوشش و مساعی لازم به راه سعادت خود پای بفشارند و مرتباً به الگو سازی مبادرت نموده و حرکت به جلو را آئین زندگی خود قرار دهند همانطور که در سطورات این رساله و رساله های قبلی و بعدی مطالعه میشود این سازمانها هستند که واحد های محرک توسعه ای کشور بوده و باید قوه و استعداد خود را در اینمورد ارتقاء داده و از زمره سرآمدی حقیقی جامعه به شمار آیند، (این روح بالنده سازمان است) مجموعه این صفحات هم اکنون بالغ بر 500 هزار صفحه شده و مستندات آن بالغ بر 1.5 ترابایت گردیده که در جداول و تمپلیت ها (Templates) و نرم افزارهای تجمیع ثلاثی گرد آمده و بصورت خط تولیدی در رفع چالش ها و تنظیم قرارداد ها و سایر فعالیت ویژه (Special activity and particularization) و غیره مهیا شده است .

Principle reliance on driving of these were the motivations, the curiosities and the thoughts that is the essential elements of development all individuals, organizations, countries and any good people in the affairs that they are responsible about it, should to be dynamic, agile, knowledgeable, creative, Entrepreneurship, outstanding to a person's credit or due him by another, end desired, rationality, creation about value added and other that wise -man recommended around them and eagerly press on project approach, technical analysis , personnel's new ideas , logic algorithm, modeling and muse be effort about these matters to become a pattern for happiness and be sample for another organisations and moving forward is the ritual of their lives and just as I wrote many gages about this matter before discourses , this such organotin is that can

increase its power and talent in this way and to be considered as one of the real wealth of society (**this is the growing spirit of the organization**), The total number of pages is over 500,000 and its documentation is over 1.5 terabytes which accumulated them in many tables, templates and Triple aggregation and this package is ready such as product-line for remedying challenges and regulate the contract and particularization special activity now.

بحث اول: شناخت شناسی حکیمانه دانش مفید در مدیریت تحول تاریخی جهان

First discussion: Wise ontology of useful knowledge of Change management in the world

تا چیزی بر جوهر وجود "موجود بماهو موجود" خود اتکا نداشته باشد، تقدّم و رجحان بر چیز های دیگر پیدا نمی کند، آموزه های ارسطویی و شهود های کانتی تا حد زیادی فهم این موضوع را آسان کرده است، بسیاری از حقایق نسبی بر حسب ماهیت نسبت آنها در محاق قرار داشته و با انتزاع ذهنی [2] و مشاهده اشیاء خارج از ذهن حق و حقیقت آشکار نمی شود لذا ما به تقدّم هایی نیاز داریم که شناخت آنها برای شناسائی و اعتبار بخشی شروط پژوهش های الزامی است، از این منظر، جوهر به مثابه یک نظام هستی شناسی بر تمام موجودیت های دیگر تقدّم دارد که شناخت شناسی سایر اشیاء بر آن قوام میگیرد، به آموزه های ذیر به عنوان مقدمه بحث عنایت شود:

So that it does not rely on the essence of its existence (it – self), it is not preference over others things, It makes easy the teaching of Aristotle and Kantian intuition for understanding of this subject, many relative truth depending on the nature of their relativity, they are in the chamber and by mind abstract [2] and see objects out of mind right and truth isn't revealed, so we need precedents that understanding them for identification and validation are necessary about these conditions, From this perspective, as system of Ontological system preference over others things that the ontology of other objects is based on it, refer to below teaching:

آنچه انسان را فرهیخته میکند او را برای خلاقیت، کارآفرینی و خلق ارزش افزوده و لجستیک عدالت توزیعی و هزاران کار کرد خیر اندیشانه آماده میکند، حکمت آموزی و اندیشیدن است، این موضوع بارها تجربه شده و برای این مولف با مطالعه 12000 کتاب در رشته های مختلف، این امکان داده است که به مشاهدات حسی خود بسنده نکرده و انتزاع ذهنی خود را وحی مُنزل نپنداشته و شناخت حقیقی را از پنجره های شهودی و از حکیمانی نظیر ارسطو، فارابی، کنفوسیوس، ملاصدرا، ابوعلی سینا، نصیر طوسی، کانت، دکارت و ده ها تن دیگر که لقب "همه چیز دان یا علامه" داشته اند و راهنمای جمعیت زمان خود بوده و با دستورات حکیمانه و اندرز های دلسوزانه و همراهی های بی نظیر خود، جوامعی را به سوی سعادت ابدی و غایت های خیرخواهانه سوق دادند و اگر محقق سخنان و دست آورد های این فرزندان را در کنار هم قرار دهند سیمای لقمان حکیم در زمان حضرت داوود و پیر

هرات "خواجه عبدالله انصاری" زاده 385 ه.ش در شهر هرات را به ذهن متبادر میکند وگویی همه این حکیمان در یک مکتب درس آموخته اند و در فراسوی زمین قرار داشته و متافیزیک ارسطو را یاد آوری میکند [3].

What educates man and get ready him for creation and entrepreneurship, value added, distribution justice logistics and thousands benevolents are It is wisdom to thinking, this subject has experimented many times and for this author was possible by study 12000 books in many desciplines and did in several platforms (refer to author's workbook by 2000 effects), which is not enough for his sensory observations and True cognition from intuition window and from wise men like Aristotle, Confucius, Farabi, Mulla Sadra, Tosi, Kant ,Decart and others "Polymath " and [3].

فلسفه در پی شناخت ضرورت ها و درک حقایق هستی است که بدون آموزه های حکیمانه از مردان و زنان حکیم و حکیمه ، به استدلالات چوبین گرفتار می آیند وگاهی چنان در گرداب گمراهی قرار میگیرند که به فیلسوفان بد کردار لقب گرفتند [4]، فرق اساسی است بین حکیمی که از اخلاق سخن میراند تا فیلسوفی که از اخلاق داد سخن میدهد ، حکیم مجسمه اخلاق و نماد خیر خواهی و آینه سعادت نما است ، اگر با حکیم باشی و معاشرت و همراهی وی را داشته باشی ، می فهمی که آزادی یعنی چه ، از آن جزمیت ها و رادیکال های تعصبی خبری نیست ، ظاهر و باطنش یکسان است با هم صحبتی با وی ، از زندان ذهن و زندان زمان حال [5] خلاصی می یابی ، معروف است آنچه که یک دانشمند میداند ، حکیم می بیند ، او از نیت و دل خبر دارد و ذهن شناس است ، کلام در محضر حدیث میگوید و رقص کلام سر میدهد [6]، قوت و استعداد شهودی که در حکمت است ، از همه ظرفیت ها استفاده میکند و ظرفیتی تباه نمی شود ، از ظرفیت آزادی ، اندیشه ورزی ، آفرینندگی ، کاشفیت ، برای حل مشکلات اشخاص حقیقی و حقوقی بهره میبرد ، مرز و تحدید حدودهای کارل پوپر (Karl Popper) ویا فکت های مجازی رودلف کارناب (Rudolf Karnab) او را گول نمی زند و بازچه این و آن قرار نمی گیرد ، شرکت هائی که با آموزه های حکیمانه در سکوهای عمل به یادگیری و مهارت آموزی مشغول میشوند ، سازمان های سرآمد خواهند بود.

Philosophy seeks to understand the necessities and understandings of the truth of existence that without wisdom teaching they are caught to wooden reasons and Sometimes they fall into such a vortex of error that they named into bad behaviors philosophies [4] , Wisdom is a statue of goodwill and a mirror of prosperity, It is well known that what a scientist knows ,wise see them , The power and the intuitive talent in wisdom, Companies that are busy with wisdom through platforms , they will be masters in the world.

هر سازمان نظیر یک فرد باید به غایت منشورها (charters) ، دکترین (Doctrine) ، استراتژی های (strategies) و اهداف بزرگ (goal) خود برسد واز آنها عدول نکند و فقط برای تبلیغات و سرگرم کردن مشتریان و جذب آنان بسنده نکند ، معمولاً جنبش های مقدماتی و اولیه سازمان های

اقتصادی ، صنعتی و خدماتی در ابتدای فعالیت های خود بصورت رشد نمائی (expediential growth) وارد بازار میشود وبعد از چند سال رشدش کند ورو به کاهش گذاشته ودر حالت اشرافیت به نقطه مرگ (Death Point) نزدیک میشود ،موضوع اصلی این است که این جنبش های درونی در سازمان و اشخاص فروکش کرده وآن عشق و شوقی که در اهداف غائی داشته ، دست خوش فریبگی ، تنبلی ، اینرسی (Inertia) ، خستگی روحی و انتروپی ها شده است و فراغت ها و سرگرمی های غیر ضرور ، ظرفیت های سازمانی را مثل موربانه خورده وقوا و استعداد های انسانی بر اساس این سستی ها کاهش یافته وآن آموزه ها که برایش قیام کرده است ، بباد فراموشی گذاشته است ، این گونه مطالب را در نوشته های افلاطون ، کانت ، هگل ، هیوم ، دکارت ، ابو علی سینا و سایر فرزندگان تاریخ می خوانید ، گویا آنان ، در آینه عبرت (Mirror warning) ، این آینده محتوم را میدیدند ، من در فصول بعدی از این آموزه یاد خواهم کرد واز همین آموزه ، ظرفیت های تحریک کننده انگیزش ها وکنجکاوای انسان را فرموله خواهیم کرد وقوام بخشی جامع (comprehensive proofing) یک سازمان حداقل در 40 عامل مقوم باید تضمینی برای پایداری سازمان بوجود آید.

Any organization like an individual should be have the best charter doctrine, strategy, and goal for its aim and do not turn away from them and no propagandas and Expand your growth early on expediential growth and do not reach the point of death in aristocracy, the essential subject it is that fall down these movements in organizations and they He has lost their sacrifice and He has been plagued by inertia, you read these statement from Plato, Kant, Hegel, Hume, Decart, Sinai and other wise in the history , they saw these as regards the face in mirror warning , they saw this inevitable future .I will mentioned about these matter in next sections and by using from these teaching can find capacities related to motivations and curiosities for organizations,s comprehensive proofing.

کسانی نظیر ارسطو ، فارابی ، کانت یا ملاصدرا ، فقط به کنکاشهای عقلی بسنده نکردند ، بلکه پنجره ای از شهود (Intuition) برای خود باز کردند و بین دل و عقل دیوار نکشیدند وقواعد خود را در ثلاثی های منطقی (logic trilateral) ترسیم نمودند وریاضی و مثلثات ، هندسه از برکت این ترسیمات (drawing) و مقیاسات صورت پذیرفت ، که دلالت های حقیقی وقابل تفسیر بودند ، بدون شهود شناسی کانت نمی توان ریاضی را فهمید و فرقی بین بازی با ریاضی ومحاسبات یقینی را فهم کرد ، چون ریاضی مجرد بوده ومیل به ترکیب با ناخالصی ها ندارد ، هر گونه آمار وارقام ساختگی وحساب سازی شده با مقاصد کارفرما که در توابع ریاضی ریخته میشود ، همان های چشم بسته به هم میدوزد وبازار غیر متقاضی را از تقاضای بزرگ رونمایی میکند ، ناخالصی ها ریاضی تشخیص نمی دهد ، منطق تشخیص میدهد ، شهود تشخیص میدهد ، این مفسر حقیقی است که بین داده ای درست ونادرست تفسیر وتاویل حقیقی کردن وسره را از ناسره (basis and fake) تشخیص میدهد ، بسیاری از قوانین ومقررات جهانی از این ناخالصی پر است ، بسیاری از احکام از این نقطه نظر ، بی مصداق (Unassuming) هستند، بسیاری از ضررها وزیان های بانکی وموسسات اعتباری وسازمان های اقتصادی-صنعتی از فقدان وکج روی ها است ، که منحنی های حقیقی از روند ها (trends) ، سیکل عمرها (life cycles) نشان نمی دهد ومدير غافل را سردرگم کرده است ، مدیریت یک موضوع میان رشته ای (interdisciplinary) است.

People like Aristotle, Farabi, Kant, mollah Sadra did not have enough reason activities, but they open a window from Intuition for them-selves, and didn't walling between heart and mid and found their rules from logic trilateral that have been truth reasons and interpretable, without Kant's Intuition cannot understand mathematics and understanding the difference between playing with math and certain calculations never, because it is single math and does not tend to combine with impurities andIntuition recognizes, this is a true interpreter that distinguishes between right and wrong data from between basis and fake , Many global laws and regulations are full of this impurity and may commandment without Unassuming so , Many bank losses It is a lack of wiggles that it don't show the true trends and organizations,s life cycles and the manager is confused, management is a interdisciplinary subject.

مدیر که دارای شخصیت راهبردی است باید دارای اندیشه ژرفای استراتژیک باشد و این تفکر استراتژیک بر سایر اندیشه های وی غلبه کند و غیر ضروری ها را از غیر ضروری ها تفکیک نماید ، اگر چنین خواصی در معیت مدیر با کارکنان نباشد ، و هر کس بخواهد در دنیا مفارقت خود ، بدون تقارن معیتی (Semantic symmetry) از رهبری سازمان ، ساز کوک (tune-up) کند ، کار مدیریت به استبداد سازمانی و بگیر و ببند کشیده میشود ، وانگیزه ها میمیرد ، چابکوسان عرصه را بر مدیر تنگ میکنند ، خلاقیت گم میشود ، نامه های متفرق از هر کس و هر سطح سازمان ، راه درست را از مدیر میگیرد ، چنین سازمان بدون تقارن با این جدل ها (dialectic) و زیگزاک (Zigzag) عمل کردن ، **بیک میدان جنگ چریکی تبدیل میشود !** من شاهد صدها از این نوع سازمانی ریز و درشت در کشورها بوده ام ، جنگ های نامتقارن در سازمان ، بیک رویه یکنواخت (or routine Uniform procedure) تبدیل میشود و هر کس با زدن ساعات کار ، سرموقع آمدن و سرموقع رفتن ، خیال میکنند که کار خلاق انجام میدهند!، **ولی امروز که مدیر درک کرد که سازمان تحت مدیریت وی ، یک جزء از مجموعه جامعه است و باید به تکالیف خود ، تعهدات اجتماعی را هم اضافه کند ، مفاهیمی نظیر صداقت (Honesty) ، عزت نفس (Self-esteem) و مسئولیت های اجتماعی (social responsibilities) جای خودش را پیدا میکند ،** برای این خصایص است که وحدت و یک پارچگی ، بقا و استواری جامعه تضمین میکند وگرنه سازمان های متفرقون (organizations as separate organism) چاره دردی برای قوام بخشی خود پیدا نمیکند .

A manager who is strategic personality should be has deep strategic thinking, and this strategic thinking to prevail on another his thinking and he finds necessities from unnecessariness, if such properties are not in the manager's responsibility to the staff and anyone in the world wants to own his own gets tune-up without Semantic symmetry from organisations leader, a despotic manager appointed a chief and Motives die and flatters get narrow the field to the manager, creativity is lost.....,it will become **organization as irregular battlefield**,, asymmetric warfare in any origination will change to Uniform procedure or routine manner and Everyone by working hours and coming on time and going on time, they Imagine doing creative work! , But the day the manager realized that organization under his managerial affairs and he should added in his duties **Social obligations**, it will be found many

Concepts like **Honesty, Self-esteem and social responsibilities** and make grantees for proofing of organization and save it from organism separate.

انسان خام است و این خامی از خام فروشی خود (نابودی عمر جوانی) ، مواد وسایر چغاله ها (Knives) شروع شده و بیک مرض مزمن اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و غیره تبدیل شده و سپس به فرهنگ بفروش و بخور (sale and pittance culture) درآمده و باهمین رویه ، به مهندسی فرهنگی شاکله پیدا میکند ، بعد در گزارش های بین المللی منعکس میشود که این جامعه دارای امنیت ، تغذیه سالم ، ضریب جینی (Gini coefficient) پائین و چنین وچنان (Such and such) است ، در طول تاریخ و در عصر حاضر باره ها اتفاق افتاده که در این جوامع راحت طلب و خوش گذران ، بدلائل زیادی انقلاب میشود و شیرازه این فراغت بالی از هم گسیخته گردیده و طلب کاران زیادی پیدا کرده و صاحب کرسی ها میشوند ، در تمام جنبش ها ، همه وطن دوست (Patriot) هستند ! و پرچم مقدس است ، وسایر حقایق در پشت پرده ابهامات و خیالات گم شده است ، آن هائی که مهاجر هستند بجای دیگری مهاجرت میکنند و میگویند ، تمام کره زمین ، وطن آنهاست! ، فقط افراد پخته (Baked people) کار کشته ، با تجربه و جهان دیده ، این مراسم را باره ها دیده ، و با پختگی تصمیم میگیرند که با یک گل و یا چندتا گل ، بهار نمی شود !، این قاعده تام ، عام و مسلم است ، شامل اشخاص ، سازمانها ، احزاب ، کشورها و غیره میشود ، خام فروشی و خام خوری ، عاقبتی بهتر از این ندارد (**ژاپن خام می خرد ، محصولات پخته با بالاترین تکنولوژی میفروشد**) ، مشکل کشورها ، سازمان ها و حتی اشخاص ، دوری از آموزه های حکیمانه و پای بندی به دنیا پرستی و لهو و لعب (debauchery) است ، بنگاه ها و سازمان ها ، بیشتر از اشخاص حقیقی از این رسومات تبعیت میکنند و بر اساس آن تبلیغ راه انداخته و سوداگری میکنند ، این گونه مصائب از زمره مقدرات رقم میخورد .

Man is raw and this raw material is evading its own raw material (destruction of young life) and other and change to social and politic diseases then to culture like “sale and pittance culture “ and finally will be engineering culture , next it com in international reports that this country has security , health , Gini coefficient and Such and such the best! And after many years rise a revotion and the lies are revealed, only baked people and expertise can save the country from these problems, raw selling and raw eating, there is no better end to this, **Japan buy raw and sell baked products as high technologies**, the problems of countries, organizations even individuals be far of wise advises and fidelity to debauchery.

بین تقریرات حکیمانه (Wise suggestions) در پندار ، گفتار و کردار و بخصوص در امر رهبری و مدیریت ، با تقریرات غیر حکیمانه فرق اساسی است ، بین آنچه که عمل کردیم و آنچه که باید عمل کنیم ، فرق از ثری تا ثریا (from earth to sky) است ، آنچه میگوئیم با آنچه باید بگوئیم تفاوت فاحش است ، بقول لودویگ ویتگن اشتاین (Wittgenstein) ، کلمه در عبارت معنی میدهد و شهودی میشود ، (**من کلمه را در ثلاثی بردم و بعد در زنجیره ، پنجره ها باز میشود-مولف**) مثل می زرم تا روشن شود ، کلمه دوست داشتن ، به تنهائی خیلی زیبا و دل چسب است ، این کلمه رادر سه عبارت زیر قرار میدهم :

- والدین فرزندان شان را دوست دارند (حقیقی)

- ترامپ مردم ایران را دوست دارد(دروغ مصلحتی)

- سهامدار شریکش را دوست دارد (نسبی و اعتباری)

تد(TED) اخیراً سخنرانی های خوبی را شروع کرده است ، سخنرانی توسط خانم آنه کورزان(Speech by Ms. Anne Courzan) انجام شد ، من بحث مفصلی روی کلمه ؛ کلام ، جمله و هرمنوتیک دانش مفید (Hermeneutics of useful knowledge) دارم که در بخش فرموله کردن قواعد دانش مفید شرح خواهم داد ، حرکت و روند جهانی به این سمت وسوی (orientation) است ، حقیقی شدن کلمه ، کلام ، عبارت کار حکیمانه است ، اگر کسی نداند که حقایق کلام چیست ، بلد نیست ، الگوریتم حقیقی ترسیم نکند و نمی تواند مفسر حقیقی دیتا باشد ، اینها کمبود های اساسی ما در طراحی و برنامه ریزی است در معماری سیستم ها است ، ما باید دنیا را از سیطره رباتیک نجات دهیم ، زنجیره های منطقی با درک حقیقی انسان بنا نهیم ، جذب و دائمی کردن مشتری وفادار (customization) ، از پرسش نامه یک نواخت و تحلیل های رباتیکی (robotics analysis) هر سازمان تمام اتوماتیکی را بر زمین خواهد زد، دیگر کلماتی که کارناب و پوپر برای قواعد حسّی و تحدید حدود خودشان به سازمان ها تحمیل کردند ، برای هیچ زمانی مقتضی نبوده است و باطل اعلام میشود ، دانش مفید با 7 میلیون مفردات و مداخلیل بزرگترین دانشنامه تمدن آینده است (به هزاره سوم ثلاثی این مولف در ضمیمه مراجعه شود).

It is deferent between Wise suggestions and unwise suggestions about thinking, speech and actions in regarding to leadership and management, between what we did and what we should do; differ from earth to sky, Wittgenstein said: the world means in sentence, then become intuitively (I brought the word to trilateral, then to chain so that opined many windows –author), I like example it to be clear, the word of love is the best and desirable, I putting up this word in below sentences:

- Parents love their children(truth)
- Trump loves the Iranian people(white lie)
- The shareholder loves his partner(Relative and validity)

TED started good lectures recently, Speech by Ms. Anne Courzan, I have a detailed discussion about word, speech, sentence as trilateral and change like, Hermeneutics of useful knowledge (UKRM), this a new orientation in the world, for being true of word, speech and sentences are a wisdom working , if no one knows what the truth of the word is , it doesn't know, the truth algorithm doesn't draw and it cannot be a true data interpreter, these are lack of essential our plan and programming in Systems Architectures, We have to save the world from the robotic domain, Let's build the logic trilateral and chain for customization,.....(refer to authoress trilateral methods).

شناخت تضاد هگلی (Hegelian contrast cognition) برای یک راهبر و مدیر یک قضیه مهم است ، شروط انتقال یک مفهوم (یعنی فراتعیین) از یک حوزه به حوزه دیگر، از یک شخص به شخص دیگر ، از سیستم رباتیک و شبیه سازی شده بر نمی آید ، مدیر باید تقاریر حکیمانه را دانسته و به قواعد منبعث از آن مهارت داشته و این هرمنوتیک را نهادینه کند ، همانطور که طبیعت یک هرمنوتیک خاص خودش را دارد ، سیاست ، اقتصاد و هر حوزه علمی و دانش بیان دارای ادبیات مخصوص خودش است ، سیستم های باید بتوانند ضدیت و تضاد اجتماعی را اعلام خطر کنند و انسان های باید همراه این سیستم به دیده بانی مشغول گردند و از رگولاتوری خوشه ای و زنجیره ای (cluster and chain Regulatory) در گزارش های تجمیعی بر خوردار شوند ، کلام و ادبیات نقش اساسی را در قالب های حقیقی این خوشه ها و زنجیره بازی میکند ، حتی یک نفر که به شغل خانگی مشغول است نباید از این زنجیره جدا باشد ، چین در این مورد بیشترین مهارت ها را ایجاد کرده و تولید ناخالص خود را در چند سال اخیر از آمریکا افزون ساخته است ، رخی معتقدند چین تا سال ۲۰۲۵ میلادی خواهد توانست ۱۰ شهر در حد و اندازه های نیویورک احداث کند [7]، من بعضی پیش بینی را در رابطه با چین و آمریکا انجام دادم که بعضاً تحقق گرفته است (مراجعه به مقالات این مولف).

The Hegelian contrast cognition for a leader or manager is an important subject, the condition of transfer a concept from any enclosure to other enclosure, from any person to another and so on; it doesn't come from a simulated robotic system, the manager must know the wise symmetry and he has skill about it and knows its harmonics, Just as nature has its own hermeneutics, policy, economy and other disciplines should be have them-selves literatures,.....and enjoying of cluster and chain Regulatory in assembling reports for its organotin, The word and literature plays a key role in any cluster and chain ,**even a person who busy in home-business must not be separate from cluster or chain at all**,(refer to author's articles) .

Please translate blow paragraph

بسیاری از فلاسفه درست کردار که بدنبال حقیقت بودند ، از سوی سوداگران و کسانی که دنیا این چنین به فساد و تباهی کشانند ، لقب ایده السیت گرفتند ، یعنی آنها هوایی و آسمانی و متا فیزیکی سخن گفتند و تحلیل دادند و دنباله رو و مدآحان سرمندانان سرمایه داری و فقر آفرینی نبودند ، هزاران عدالت خواه به صلیب کشیده شدند ، میلیون انسان حق طلب در جبهه های حق علیه باطل شهید شدند و بسیاری کودکان در فقر و گرسنگی جان دادند ، این نیروی انسانی ذی قیمت به گناهی چنین کشته شدند ، دنیا پرستی ، هوس پرستی ، زیاده خواهی ، چپاول گری از سوی مفسدین جهانی ، دنیا را این چنین به کام ها تلخ و ناگوار کردند ، آیا باید اجازه داد ، این سلطه گران همچنان در مناصب قدرت (**Power positions**) باشند ، اندکی در خوش گذاری و کثیری در رنج و عذاب دائمی ، ادبیات الهی و حکیمانه مخالفت سرسختانه خود را اعلام کرده و مانند فلاسفه ایده آلیست ، از سوی سلطه گران ، محکوم به امحاء هستند ، این جریان توفنده به تمام دستگاه های دولتی ، قضائی ، بخش خصوصی و جوامع بشری سرایت کرده و سرنوشت ملل رقم میزند ، سرگذشت تاریخی جوامع بشری باره ها و باره ها این جریانات شوم دیده و نشان میدهد که دست عدالت از آستین همین حکیمان بلند شده و حکومت های جبار را نابود کرده است ، شرایط دنیا از جهات مختلف برای این قیام جهانی آماده است و آنچه که من به عنوان " **future civilization** " یاد میکنم ، نتایج پس از قیام جهانی است و می خواهم بگویم ، دست

ما از داشتن ادبیات و راه حل ها و مدیریت جهانی در این سرنوشت محتوم (**Inevitable fate**) بحد کفایت وجود دارد و آنچه کشورها ی جهان و کمیسیون های منطقه و غیره برای افق های 2920 طراحی کردند بجای نرسید ، چون دستشان در دست سلطه است ، کسانی باید در میدان آماده مبارزه باشند که در شرایط سرنوشت محتوم سیر و سلوک میکنند .

Please translate blow paragraph

لذا بصیرت نوینی در جهان آغاز شده و نشانه ها و پدیده های مرتباً به تصویر کشیده میشود ، در واقع ادبیات جهان در حالت تغییر است ، هر مدیر حکیمی دارای سبک (Style) خاصی بر تنوع بینش ها و شهادهای خود است از آموخته های مادام العمر خودش مدل سازی و قاعده میسازد ، افرادی نظیر کاپلان و نورتن (Kaplan and Norton) و جنریچ آلتشولر (Jensrich Altschuler) و بسیاری دیگر با ادبیات انتخابی و برای ایجاد مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی با رویکرد های خلاقیت و کارآفرینی ، در بارور کردن مدیریت از سبک حسّی به سبک های شهودی تلاش نمودند ولی کافی نبود ، چون از خالصی و نابیت لازم برخوردار نبود و از هزاران قواعدی که در این راه ابداع شده و یا میتوان ابداع نمود ، غافل شدند ، در زمان های دیرینه ، قاعده " علت و معلول " بکار میرفت ، با اصحاب مکتب پوزیتویسم (Positivism) ، این قاعده ملغی شد ، بعد گونار میردال (Gunnar Myrdal) با تغییراتی در قاعده علت و معلول (rule of cause and effect) آنرا بنام علیت تراکمی (The causality of congestion) به دانشگاه ها معرفی و مورد استقاده قرار گرفت ، این شخص که یکی از پیشگامان توسعه (Development Pioneers) بوده ، اعلام کرد که به فرضیه های قبلی اقتصاد توسعه (economic development) توجه ای نکنید و بر حسب مقتضیات کشور خود ، فرضیه ابداع نمائید.

قوای سلطه غرب بر خلاف نیروی محقق و حقیقت جوی کشورهای غربی ، از جوهر و ماهیت حقیقی درک درستی ندارند، از حکمت، فلسفه و حقیقت روی بر تافته و در حوزه های عمل آنها کاربردی ندارد و فقط دانشگاه های غربی درس میدهند و حکیمانی که باید قیام کنند و از حق و حقیقت در غرب دفاع کنند ، با کمبود شدیدی روبرو شده است ، محققین حقیقی هم زورشان به قدرت سلطه نمی رسد ، چاره کار چیست ؟ به نظر من بخشی از چاره کار در تصادم چالش های بین قدرت ها زنگ های خطر را به صدا در آورده است ، **قدرت های نوظهور به پا خواسته اند** مثلاً در چین دانشگاه چی سینگ (Chi Singh University) رشته های **" صداقت ، اعتماد به نفس ، تعهدات اجتماعی "** را دایر کرده است ، نظیر این گونه یادگیری ها و آموزه های حکیمانه بصور گوناگون در کشور دایر شده است ، جلسات از ادیان و نحلّه ها ، آئین ها ، اعتراض ها و... در گوشه و کنار دنیا آغاز شده است ، دست تقدیر برای قوای سلطه بد آورده است ، بدهکاری شدید غرب ، اتحادیه های قوی مثل بریکس (BRICS) در مقابل غرب ، مشکلات مستولی شده در کشورهای غربی ، قیام آرام پیروان اقیانوس آبی (Blue Ocean) در امحای بازار قرمز (Red Market) و هزاران نشانه دیگر که از تحقیقات 1.5 تریلیتی این محقق است ، گویای چاره کار است ، پس دوجریان بزرگ در جهان در حال مبارزه است ، یکی جریان سلطه و دیگری جریان حق و حقیقت ، شما کدامیک را دنبال میکنید.

Western Dominion Forces contrary to Western and true researchers, they do not understand the essence of wisdom and overtake from philosophy, metaphysics and truth and didn't applied in working places.....and true scholars, too, are not forced into power, What is the solution?, I think that's part of the solution singed by dangerous bell Challenge in the economy between powers, **the newfound raised in the world**, for example: in china university as Chi Singh has set up the

courses of “**truthfulness, Self Confidence , Social obligations**”..... So two big circles in the world are struggling, One flow of domination and another is the flow of truth, which one do you follow?

آنچه فوقاً گفته شد ، حکایت تاریخ است ، کتاب خانه های دنیا پر است از این تصادم ها و تقابل ها ، ولی باید در این مرحله بیاندهشیم ، کدام دکترین ، کدام راهبرد ، کدام منشور ، کدام طرح و آلوگوریتیم برنده این میدان است ، آیا میشود بدون نظم خاصی ، طرح قویی ویا رگولاتوری جهانی (Universal Regulatory) مخصوصی پا به این میدان نبرد گذاشت ، در شرایط عادی در بسیاری از کشورها ، هزاران سازمان های اقتصادی غول پیکر ، مثل برگ درختان به زمین فرو افتادند ، در شرایط فوق الذکر که جای خود دارد ، گوگل داده های این نبرد را با ذخیره بزرگی بطور آشکار وپنهان با سرعت بسوی سویی بایت (SiB ۱۰^{۲۷}) دارد به پیش میرود ومحاسبات را برای محاسبات وآنالیز های ابری(Cloud Computing) آماده کرده است ، خیلی ظرفیت های بوجود آمده است ، میتوان با امکانات ، کره زمین را چندین بار تخریب کرد ویا از آن بهشت ساخت ، با کدام یک موفق هستید؟ من خط بهشت وبهشتیان را دنبال میکنم ، مدیر حکیم باید از همه این جریانات با اطلاع دقیق وفنی باشد واز ظرفیت های موجود برای سازمان خود بهره ببرد ، این اقدام هم اکنون شدنی است ومناطق های آن آماده است.

What was said above is narration of history, the libraries are full of theses oppositenesses, but at this point we have to think, which doctrine, strategy, charter, plan and algorithm are win in this field, can be without certain order, strong design or Universal Regulatory Entered the battlefield,.....Google has huge data about this battlefield in its memory (۱۰^{۲۷} SiB) by cloud Computing, so, Has been created abundant capacities in the world for building paradise or destroy the earth, which one do you want? , The wise manager must be aware of all these trends, and use from these capacities for its organization, this is now possible and their bases are right now.

بحث دوم: سازمان های روزمره از سرمایه های پروازی محروم هستند ومدیر اتومبیل قدیمی وبدون بال را میراند

تخصص میان رشته ای من حکم میکنم که به گزارشات روزمره سالانه بانکها ، صنایع ، شهرداری ها وغیره اکتفاء نکنم ، مدیران اینگونه گزارشات را یک تکلیف اصلی میدانند واز صدها تکلیف ذاتی دیگر غافل می مانند، به عقیده من عادت به کارهای روزمره وروز مرگی ، سازمان ها را مثل برگ درختان در پائیز زندگی به زمین خواهد ریخت ، من معمولاً گزارشات 5 تا ده سال یک سازمان را مطالعه کرده وباهم مقایسه میکنم ، اگر مثل هم باشند ، آن سازمان در حال مرگ است ، کارکنان آن نیز هر روز سروزت میابند وسروزت میروند وآب از آب تکان نمی خورد(مثل یک برکه)، سازمان همان اتومبیل قدیمی مدیر است ، با همان داشبورد کهنه (Old dashboard) وتعداد معدودی نشان گر واندازه گیر مثل سرعت ، ترمز ، منبع ذخیره ، سرما وگرما ونظیر اینها ، از اندازه گیرهای خلاقیت ، کارآفرینی ، بهره وری ، چابکی ، هم گرایی ، هم افزائی ، ارزش افزوده ، نسبت های مالی واقتصادی ، موقعیت فضائی سازمان در حال پرواز وغیره که دردانش مفید آورده ام ، خبری نیست.

Second discussion: the routine organizations are deprived from flight capital and manager is driver of the old car drives off the wings

Interdisciplinary expertise be caused I would say that I don't satisfied with routine annual reports of banks, industries, Municipalities and so no, Managers see such reports as a major task and they ignore hundreds of other essence tasks, in my opinion getting of daily habit and routine activities, organizations will fall like the leaves of trees in the fall of life, I usually read an organization's 5 to 10 year reports and compare together, If they are alike, that organization is dying, Its staff also come in every day and go in time and the water does not shake(alike a pond), the organization is the old car of manager, by the same old dashboard and many Gauge meter and markers like speed , Brake, storage, cold and heat and so on ,there is no news about in indicator of creations , agility, Convergence, synergy, value added , activities ratios, Spatial position of the flying organization and otherwise I have found it in UKRM.

سرمایه سازمان فقط دارائی های ثابت نیست ، مقدار نقدینگی که سهامدار آورده است ، نیست ، سرمایه های مادی یک بخش حسّی سازمان است، سرمایه های جنبشی، انرژی زا و پویای یک سازمان چیست؟، اولین و بزرگترین سرمایه یک سازمان نیروی انسانی با انگیزش ، کنجاو ، چابک ، خلاق ، متفکر ، نقّاد ، کارآفرین،ریسک پذیر و توفنده است که مرتباً سازمان را می تکاند تا گرد و خاک فراموشی آن از صورتش پاک شود ، سازمان روزمره مثل یک انباری پر از لوازم است ، با چند تا ربات هم میشود این انبار را اداره کرد ، اندیکاتورهای داشبرد سازمان باید نشان دهند که سهم سازمان از خلاقیت چقدر است ، از ارزش افزوده چقدر است ، از کارآفرینی چقدر است و....، مشاغل همان مشاغل پارسال است یا اینکه شغل های عجیب و غریبی بوجود آمده است ، مثلاً یک بانک سرآمد ، یک شغل ایجاد کرده است که کارش اینست که کارکنان را کنجاو میکند که هر کارمندی ایده بدهد ،شعبات موفق ایجاد کند ، یک کار جدید برای جذب مشتریان بیشترکشف کند ، سازمان نبایدگوید ، آقا یا خانم کارمند ، برو این درس را بخوان ، کارمند دراینترنت ودرمیان هزاران میلیارد نوآوری جهانی واقدامات پیشرو ، به رمز وراز پیش تازی ها واقف میشود و طرح میدهد ، شاغل کنجاو کننده این جریان پویا ، آدم با ارزشی است .

The wealths of organization aren't fixed assets, cash or stocks; the material capital of organization is a sensory part of the organization, what are the movement, energy producer and dynamic capitals?, the first and biggest organizations,s capital is excited manpower, curious, agile, creative, thinker, critic, entrepreneur, risky and usefulness that shakes the organization constantly and the soil of forgetfulness wiped from her face ,a routine organization is alike warehouse full of merchandises , this warehouse can be operated with several robots, organizational dashboard indicators should show how much the organization's share of creativity is, how much of a value added, how much is entrepreneurship and..... Jobs are the same as last year or created many necessary new jobs for example: a master bank has created a job that its job is to

make employees curious for presentation an extraordinary idea or any usefulness suggestion.... the curious employee of this dynamic stream is a valuable person.

اگر استاندارد های فیزیکی تغییر نکند و ارتقاء نیابد ، سازمان پویا نیست ، اگر استاندارد های معنوی در سازمان تدوین نشود ، روح سازمانی مرده است، اگر استاندارد های یقینی در سازمان بوجود نیاید ، سازمان اعتقاد بنیادین ندارد ، اگر مشاغل جدیدی در سازمان رخ ندهد ، سازمان با سواد کهنه در جا میزند ، نباید کلیه این عوامل و فرایندها را مدیر یا هیئت مدیره انجام دهد ، یک سازمان دارای دکترین ، منشور و استراتژیک سکوی پرتاب پرسنل است ، یعنی سازمان و تمام نیروها و سیستم ها و جنبش ها و محرک های راهبردی و پویا است ، مدیر باید میان رشته ای باشد ، خصایص مدیریتی و رهبری سراسر سازمان را در بر میگیرد .

If the physical standards don,t change and not upgraded, the organization is not dynamic, If the spirit standards is not formulated in the organization, The organizational spirit is dead, if is not created certain standards in the organisation , The organization has no fundamental beliefs, Unless there are new jobs in the organization , old-fashioned literacy organization , Not all of these factors and processes should be handled by the manager or board of directors, organisations are a launching platform for personnel by having doctrine , charter and strategy ,it means all of the existence in organic body and its systems should be dynamic and motive strategy, the manager must be interdisciplinary, Includes management and leadership features throughout the organization.

مدیر که در لوکوموتیو سازمان قرار گرفته و فرمان را در دست گرفته و سازمان را روی ریل جلو میبرد ، باید با همه اعضاء ، شبکه ها و شعبات وزیر مجموعه سازمان هم زمانی (synchronized) داشته باشد، اگر در حادثه ای یک باره ترمز کند و سیستم ترمز در واگن های دیگر هم زمان عمل نکند ، قطار از ریل خارج میشود ، اگر یک ایده در بخش از سازمان فعال شد و شعبات وزیر مجموعه از آن بی خبر بودند ، مشتریان سردرگم میشوند ، همه بخش های سازمانی در درون و شعبات در بیرون باید با هم هماهنگ باشند و یک آهنگ را بنوازند با یک داشبرد هم زمان کار کنند و دارای شاخص های همسان باشند و یک روح را منعکس کنند و یک خصایص متعالی را منعکس نمایند (به هزاره ثلاثی اول این مولف مراجعه شود- ضمیمه است).

Director who is located in the locomotive of the organization and hold the roll and It drives the organization forward, must be synchronized by the secretary of the organization with all members, networks and branches, If it accidentally brakes and The brake system does not operate at the same time in other waggons, The train leaves the rails,..... (Refer to appendixes of this discourse).

Please translate below subject:

جنس و فصل در کتاب دیالکتیک ارسطو مربوط به کلیات خمس از نوع ؛ جنس، فصل ، عَرَض عام و عَرَض خاص که جزئی از دستگاه منطقی دانش مفید تشکیل میدهد ، هم حکیمان مهم فلاسفه روی این دستگاه بحث های جدی داشته اند که در جای خود به آنها اشاره میشود ، تغییراتی که در تعالیم قواعد مدیریت دانش مفید وارد شده است ، هم با لقلقه زبان (chattering tongue) در موضوع دانش مفید تفاوت دارد و هم با روش های دیالکتیک هگلی یا ارسطویی متفاوت است ، تاکنون از علم مفید ویا دانش مفید برای نصیحت و بیان گفتار های حکیمانه بسنده شده است ، شما نسخه عملی برای آن پیدا نمیکنید ، فقط تکیه بر این موضوع داشتند که علم و دانش باید برای مردم مفید باشد ، محققان غربی این موضوع را یک ایده (Idea) تلقی میکنند که دارای جوهر های خلاقیت و تولید مواد مفید است و در این رابطه اشاراتی به اقوال کوتاهی از فلاسفه دارند و مطلب بیشتری از تحقیقات آنان نصیب شما نمی شود [8]، این مولف همانطور که گذشت بالغ بر 12000 جلد کتاب در طول عمر خود مطالعه کرده که کتاب چهارم ایشان آمده است ، کل مستندات مطالعه حدود 1.5 ترابایت بوده که حدود 500 هزار صفحه تا کنون تحریر شده و یک مورد آن 300 مقاله منتشره است ، جداول ، رساله ، مجلدات و زونکن ها و... در کتاب خانه شخصی مولف برای ارائه آماده است ، این یک رکورد جهانی است ، عمده مایه های قواعد گردآوری شده است و بعضی از آنان از ابداعات شخص مولف است .

فیزیک و مکانیک با آن عظمت علمی و دانش بنیانی خود که بوسیله انسان نادان وسایل ظلم را برای طبیعت فراهم کرده است ، دانش نامه ای باین بزرگی ندارد ، پهنا و ژرفای دانشنامه دانش مفید بزرگتر از هر دانشنامه فعلی است ، مفیدیت موضوعی تمام شمول است ، در برگیرنده (covering and including) است ، مشکل گشا و راهبردی برای چالش های مدیریتی در تمام زمینه ها است ، غفلت از این گنجینه گرانبها مثل غفلت جهانی از صدها اثر گوهر بار دیگر است که از دست میدهد، مفیدیت کلمه زیبایی است ، ولی باید بدانی آنرا کجا ، و در چه زمانی ، چرا، چگونه و برای چه کسی بکار میبری ، پول مفت و باد آورده برای یک چپاول گر بخور و بخواب (Eat and sleep) خیلی مفید است ، برای اینکه یک یتیم گرسنه را سیر کنی، بسیار مفید و لذت بخش است، آقای لرد با نوکران خود از محله میگذشت ، یک دختر بچه داشت گریه میکرد ، سوال کرد، این دختر برای چی گریه میکند ، نوکری پاسخ داد ، فقیر است ، لرد گفت : فقیر یعنی چه!، چون در کاخ لرد ، سیمای فقیر بچشم دیده نمی شود ، تمام فیزیک را دوساله یاد میگیری ، ولی یک عمر باید تلاش کنی که موجب پاک کردن اشک یتیمان و فقر زائی شوی ، تنها ادبیات نیست که در دانشگاه یاد بگیری ، رنج است ، جهاد است ، استفاده رساندن است .

فیلسوفان بد کردار [9] و محققان حسی- ابطالی و فکت گرا، سعی بلیغ کردند که حکیم کشی کنند ، پذیرش فساد را با توجهیات خود برای مردم هوس باز مباح نشان دهند ، خودشان کارهای زشتی انجام دادند که نمی خواهم این گنجینه گرانبها لکه دار شود و ملوث گردد ، بعضاً از سوی زور تاریخ ، ماموریت داشتند مثل ماکیاولی (Machiavelli) از سوی فاشیست ایتالیائی ، یا مامورانی که بدستور هیتلر کوره های آدم کشی دایر کردند ، امور ایجابی را سلب کردند ، امور سلبی را ایجاب نمودند ، در مقابل این جرثومه های فساد ، اشخاص عالیقدری بودند و هستند که در صحنه های سوداگری ، رقص های اهریمنی ، سرگرمی های دنیوی ، رونمایی (Unveiling) نمی شوند ، اینان دارای منطق آگوریتم های حقیقی ، کارکرد های یقینی و سودمندیهای فراوانی در جوامع بشری بودند و رنج بسیار بردند ، مردم دنیا به تبعیت از دوجریان ، دودسته شدند ، آمارهای دولتی ، گزارش های سالیانه سازمان های مالی و صنعتی فاقد این گونه ارقام و مقیاسات است ، ظاهراً مثل اینست که آثار بد و خوب این جریانات در قاعده " همگرایی ها ، هم افزائی و ارزش افزوده " دخالتی ندارد ، یک کارمند از روز

اول هفته مرتباً، نقشه آخر هفته را برای خوش گذرانی میکشد و آنقدر که درمورد آخر هفته (weekend) درگیر است، فراموش میکند، الان اول هفته و آغاز کار (Getting Started) است، در دانش مفید جایگاه اصحاب این جریان از هم تفکیک میشوند و مدیر حکیم نفس راحتی میکشد.

مهمترین عاملی که باید در انسان تحریک شود **مغز** است، دستگاه تفکر است ولی باید این دستگاه نواختن را یاد داشت، یادگیری برای فکر کردن و فهمیدن است، در جریان حکیمانه، مغز و دل با هم کار میکنند و از هم حرف شنوایی دارند، در جریان ماکیاولی، این دو عامل، هرکدام در سئو استفاده ها و فساد افزائی با هم مسابقه میدهند، بنابراین تضادها، تناقضها، چالشها و نبردهای و نظیر اینها در ناحیه جریان چپاول گری است، و جریان حکیمانه مرتباً مشغول حل و عقد این تضادها و چالشها است، البته اگر تضادها و تناقضها نباشد، مدیر حکیم نمی تواند بفهمد، از کجا گل می خورد و از کجا خوب میخورد، در جریان تضادها و تمیز کاری تضادهای، همواره در برخورد با هم هستند و زندگی را تعریف جدیدی می بخشند، اینها صدای زندگی است که آثار تمیز کاری آن بر زندگی مردم امید می بخشد، سازمانها و اشخاص و هر خیر خواهی و وظیفه دارد که مردم را نه با وعده سرخرمن (The promise of a redhead) بلکه با قواعد دانش مفید، امید واری بدهد، گزارشات سالیانه بنگاه های بزرگ باید حاوی این منشور باشد و شاخص های آنرا نشان دهد.

ببینید در انتخاب و انتصاب کارکنان چه نکات مهمی اثر گذار است که سرنوشت سازمان شما در کلیه ابعاد مختلف تعیین "تکلیف؛ حقوق، توفیق" به آن بستگی دارد، صحبت و تعارف پیرامون کارکنان یک سازمان در سخنرانیها و کتابها و نمایشنامه است، ولی روزیکه شرکت آی بی ام گفت: افتخار من، پرسنل منست (شرکت ماشین آلات بین المللی کسب و کار International Business Machine Corporation به اختصار آی بی ام (IBM) که همچنین با نام آی بی بزرگ Big Blue هم شناخته می شود) کارکنان آی بی ام موفق به دریافت پنج جایزه نوبل، شش جایزه تورینگ، ۱۰ مدال ملی فناوری و نوآوری و پنج نشان ملی علوم شده اند [10]، خلاقیت یعنی این، باید نشانه داشته باشد، کارآفرینی یعنی باید اثرات ارزش افزوده داشته باشد، و...، بنابراین سرمایه اصلی یک سازمان "انسان حکیم و فرهیخته" است آنقدر عاشق سازمان خودش است که میل دارد آخر هفته در کنار چمن کاری های حیاط سازمان در مورد یک ابتکار جدید و یک ایده جدید با همکارش گفتگو کند، من لذتی بالاتر از این سراغ ندارم.

در حکمت اشراق (The wisdom of illumination)، عشق سخن اول است و خمیرمایه و جوهره دانش مفید، آشتی دل و عقل با گوهر عشق است، تا حکیم نشوی، نمی فهمی من چه میگویم، تولوستوی گفت: وقتی کسی نزد ما می آید به آراستگی لباس او توجه میکنیم، وقتی میرود، به سخنان او می اندیشیم [11] شاید بعضی اشخاص تولستوی را بخاطر کتاب جنگ و صلح (War and Peace book) به خاطر داشته باشند ولی شما هفت اثر اورا بخوانید تا بدانی که چقدر از حکمت میداند (تولستوی در طول دوران حیات ادبی اش، 11 رمان، هفت اثر فلسفی، سه نمایشنامه و بیش از 25 داستان کوتاه نوشت. از آثار معروف او به «جنگ و صلح»، «آنا کارنینا»، «تمشک»، «قزاقها»، «مرگ ایوان ایلیچ» و «ارباب و نوکر» می توان اشاره کرد) تولستوی با رنج آشنا شد، بارنج زندگی کرد و در بستر لذت بخش جان به جان آفرین تسلیم کرد، به یاد این نویسنده و آثار ماندگارش برخی جمله های قصار او را مرور می کنیم:

انسان تنها برای نیکی کردن آفریده شده است.

در دنیا لذتی که با لذت مطالعه برابری کند، وجود ندارد.

کسی از دانش خود برخوردار می‌شود که به آن عمل کند.

میان آدمیان چیزی نیست، جز دیوارهایی که خود ساخته‌اند.

عشق ورزیدن کافی است، آن‌گاه همه چیز لذت‌بخش می‌شود.

دوست داشتن رحمت است. مورد محبت قرار گرفتن، خوشبختی.

آفتاب به گیاهی گرما می‌بخشد که سر از خاک بیرون آورده است.

نیکی همه چیز را مغلوب می‌کند و خودش هرگز مغلوب نمی‌شود.

بدون دانستن این‌که کیستم و چرا این‌جا هستم، زندگی ناممکن است.

مردان بلندآوازه هرگز نمی‌میرند، زیرا که قبرشان، قلب نسل‌های آینده است.

در زندگی هرکس طریق راستی و درستی را بییابید، زودتر به هدف می‌رسد.

آن عصای جادویی به من واگذار شده، این منم که باید چگونی استفاده از آن را بدانم.

همه می‌خواهند بشریت را تغییر دهند، اما هیچ‌کس به تغییر دادن خویش نمی‌اندیشد.

فرق انسان و سگ در آن است که اگر به سگی غذا دهی، هرگز تو را گاز نخواهد گرفت.

بشر تا زمانی که زندگی را به عنوان چیزی مقدس باور نداشته باشد و به هم‌وعان خود به چشم برادر

نگاه نکند، زندگی دیگران را تباہ خواهد کرد.

تاریخ فقط کشف معادن زمین و اختراع وسایل فیزیکی نیست، تاریخ چیزهائی را آفریده، که همیشه ماندگار است، من ادیسون را بخاطر رنج هایش دوستش دارم، قبل از او برق اختراع شده بود، او برق اختراع نکرد، ولی حبابی ساخت که انوار و فوتون های حاصل از برق را خانه های مردم نور افشانی کند، برای این توفیق رنجی کشید که حیرت آور است، وقتی شما از رنج، نیروانا (Nirvana) تولید میکنی، می توانی یک سازمان برجسته هم بسازی واز شکست، ضررومشکلات آن هراسی نداشته باشی، انسان خیلی بزرگ است، با عظمت است، چرا خود را ارزان می فروشد، عمر خودش تباہ میکند، این سرمایه با پول عوض میکند، این رسم و آئین تاریخ است، این صدائی است که موسیقی برای آن ساخته شد برای اتومبیل و قطار و هواپیما کسی آواز نمی خواند، برای اشک یتیم، آزادی، فقر و زندگی مردم آواز سر میدهند، تا آنجا که گفتند، آواز خوان، نه آواز (The Singer Not The Song) و من در چکامه های از روی این حقیقت پرده برداشتم، دل ها آنگاه می طپد که عشق در زمین جولان دارد، بلبل نغمه سرمی‌دهد، پروانه گرده نرینه را نزد معشوق مادینه برده و تقدیم حضور میکند و به برکت این معاشقه، از دل گل رقصان، شهد می نوشد و می‌رود تا قصه عشق را به شمع بیاموزد ولی اسیر شمع سوزان می شود که ندا میدهد، عشق مائیم (Our love)، عشق یعنی: خون شیر میشود در پستان مادران - کودکی معصوم، می مکد آن شیر با غنچ لبان (به دیوان شعر این مولف مراجعه شود).

این بند آخر بیت بحث اول است، ولی آغاز صوت زندگی است، به خاموشی و یا فریاد و عربده اشخاص از این منظر نگاه کنید که سکوت حکیمانه است یا نادانی، حکیم در محفل حکیم شناسان دیگر خاموش نیست، صدای رسا، سخنش صریح، و از حق و حقیقت سخن میداند، و اما عربده کنار چپاول گر است، در جائی که نتوانسته سر مردم کلاه بگذارد و یا کلاه بردارد، عربده میشود، باید عربده او

را خاموش کرد با فریادی بلند تر که فریاد صدای مظلوم است در مقابل عریضه ظالم ، ارزش های حقیقی ماندنی هستند ، اخلاق و وجدان انسانی همیشه ماندگار است ، شهادت ، خیر خواهی ، شرافت و فضیلت جاودانه هستند ، اگر روزی گردی روی اینها می پوشاند ، حکیمی از راه میرسد و این گرد و غبار را پاک میکند ، انسان تکلیف دارد ، مسئول است ، خودش ، خودش را نیآورده است که تا به امر خودش برود، رگولاتوری جهانی (Universal Regulatory) در نظام هستی (system existence) نقش خود را بخوبی ایفاء میکنند ، هرکس که این نقش آفرینی را در اسرار آفرینش مشاهده میکند ، فقط حکمت ، عشق ، محبت ، مجاهدت ، فداکاری و تمام ادبیات خیرخواهی و... را مورد علاقه خود قرار می دهد، غایت طلبی از اصول حتمی آنست و در کل باید بوسیله اصولی مقوم ، به تضمین سعادت ابدی خود قیام کند .

بحث سوم : ارقام گزارشات سازمان ها بدون شاخص ها، معیارها ، مناط ها و مقیاسات اعداد بی روحی هستند

Third discussion: The figures of organizations reports are lifeless numbers without Indicators, criteria and basis

دانستن آموزه های حکیمانه به تنهایی برای اصلاح سازمان ها ، جامعه و کشورها ، کفاف نمیدهد ، ما باید دنبال چارچوب های باشیم که بتوانیم این چرائی ها و چیستی های منطقی را در قالب های مدیریتی برای اداره صحیح سازمان های خود ، تنظیم نماییم و لباس کمی (Quantitative clothing) بر آنها بپوشانیم

Knowing of wise speeches are not useful for reform of organizations only, we must follow many frameworks until we can salved problems whit Quantitative analysis about this matter.

فلسفه وجودی شاخص ها

گزارشاتی که فقط ارقام و آمار را نشان میدهد گزارشات ناقصی هستند و جوهر حرکتی خود را نشان نمی دهند ، فلسفه وجودی شاخص های کلیدی مربوط به موضوعات مورد بحث برای تضمین ارزش ها ، سنجش عمل کردها ، میزان خلاقیت و بهره وری و اطمینان از آینده کشور و سازمان ، لزوم یادگیری ضروری ، ایجاد آمادگی های لازم برای آینده مطمئن پیش رو ، پیش گامی و پیشرو بودن در توسعه و پیشرفت ، حتی درک لازم از نشانه شناسی ، پدیده شناسی ، کمک به شهودات انسانی ، ژرفا نگری در کلمات حقیقی در عبارات ، از کل به جزء رسیدن ، ساخت ماهیت اعداد منتشره و تمیز آماري های دروغین از آمارهای راستین ، سنجش هر گونه ماهیت و پی بردن به جوهره، ذات و جنس این ماهیت ها است .

The existence philosophy of indices

Reports that show only figures and statistics, the reports are incomplete and they do not show their motor essence, the philology existence of key devices is depends to grantee of values, evaluating of performances, The amount of creativity and certainty of the future, the necessary leaning, preparedness for progress, a pioneer in

development, even the necessary understanding of semiotics and Phenomenology, helping of humam,s intuitions, Take a deep look at the phrases about true words, From total to partial, the structure and entity of nature issued figures and so on.

Please translate these blow phrases

رابطه ارقام و واحدهای عددی با هم و تولید نسبت ها و ترکیباتی از تلفیق آن، بما شاخص های معناداری ارائه میکند که مربوط به مناط (**Basis**) بوده و بحث بعدی ماست ، من در موضوع ترافیک شهری و بین شهری به 101 مناط ، حجت یا مبنا رسیدم که هر کدام شامل زیر مجموعه هائی هستند در ایران حدود 30در صد اجراء میشود بعضی موارد حتی در کشورهای توسعه یافته هم بکار گرفته نشده است (رجوع به مقاله مربوطه از این مولف) ، فقدان بعضی شاخص های تولیدی از این مبناها ، کشتار جاده ای بوجود آورده است که گاهی گزارشات غیر حقیقی از سوی پلیس و یا مامورین امر ارائه میشود و حقیقت موضوع در محاق است ، موضوع بیماری صرع (**Epilepsy**) که در همه کشورها شیوع دارد در کشورهای توسعه یافته ، بیمار صرعی از گواهینامه رانندگی محروم است ، لاستیک اتومبیل در طول زمان (در حالت استفاده و یادر انبار) فرسوده میشود و تاریخ مصرف آن محدود به کیفیت و استاندارد لاستیک تولیدی است ، فقدان سیستم نظارت و پیشگیری موجب ، بسیاری تصادفات میشود که منوط به موضوع دیگری میکنند.

مشاهدات عینی بدلائل زیادی از مراتب یقین تهی بوده وقاعده : "علم الیقین ، عین الیقین ، حق الیقین" را مراعات نمی کند ، هم از تئوری تا عمل و رعایت حقوق مردم ، در سیستم ها وجود ندارد و با گرفتن چند رگرسون چند متغییره و چند منحنی از گزارشات و داده های (**Data's reports**) به موضوع خاتمه داده شده ولی مصائب آنها برای خانوارها و رنجوری جامعه باقی میماند، در اینجا متوجه میشویم در ارزیابی انطباق حقایق موجودیت ها با آنچه به دستگاه حسّی در تحدید حدود و حیطه های دیوار کشی ذهنی ، به کمبود داده ها و شاخص های منبعث آن گرفتار هستیم ، وقتی داده های لازم موجودیت حقیقی برما مشخص نشده و با کلام ، واژه فنی ، نتیجه قطعی از یک تحقیق ، از یک خلاقیت یا اختراع و نظیر اینها مشخصات خودش را آشکار نکرده است ، بفرض اصول شاخص سازی که آنهم یک درد دیگر جوامع بشری است ، ما با کمبود شاخص ها روبرو هستیم ، فقدان سیستم های یک پارچه ، مراکز متعدد آمار پراکنی ، نسبی بودن ارقام و گزارشات که عمده آن در محاق (**wane of the moon**) است ، این ارزیابی های انطباقی برای وضع قانون و مقررات ، طرح و برنامه ، قضاوت بر اساس گزارشات ناقص و غیره ، اعتماد اجتماعی را کاهش داده و ما را از رعایت فلسفه وجودی شاخص ها محروم میکند .

بسیاری سازمان ها ، ملی و بین المللی فاقد شاخص های حقیقی هستند و فقط به انتشار ارقام و آمار بسنده میکنند و چون تفسیر داده ها نیازمند خبره میان رشته ای در این دانش های بنیادین و مفید است که به راه نیافتاده است ، **ما از مفسر حقیقی دیتا نیز محروم هستیم (We are deprived of the true data interpreter)** ، شما ملاحظه کنید که کشوری نظیر سوئد برای نظارت بر سلامتی و امید زندگی (**Life expectancy**) شهروندان خود از 1500 شاخص سلامت ، استفاده میکند ، در این مورد کشورهای کانادا، قطر ، فرانسه ، نروژ ، نیوزلند ، بلژیک ، استرالیا ، هنگ کنگ ، هلند ، سوئیس ، لوکزامبورگ، در مرتبه کشور سوئد در سلامت به پیش میروند ، امید زندگی در سوئد برای مردان

80.4 و برای زنان 84.6 است و ضریب جینی در سوئد با نمره 25 در راس کشورهای جهان است ، این مطلب اشاره به این حکم صادق دارد ، شاخص ها با هم همگرایی و هم افزایی دارند ، کشوری که در کمترین نابرابری درآمد طرح و برنامه دارد ، خام فروشی هم نمیکند و از تکنولوژی برتر برخوردار است .

شاخص های سازمان ها ، کشورها و اتحادیه ها از حقایق پرده بر میدارند و نیازی به تقریرات و قرائت های این و آن نیست ، شاخص ها نشان میدهد ، داده ها ، آمارها و سیستم های تحلیلی فنی (**Technical analysis**) مشاوران خبره فعال هستند و مدیران هم در این اصل دارای خبرگی و مهارت های لازم هستند ، در چنین وضعی که جامعه با گفتار و رفتار و فرهنگ خود این مناسبات را صحت میگذارد ، بخش قابل توجهی از قاعده مراتب یقین (**Far more sure**) تحقق گرفته است و آزمون های ما در یادگیری در سکوهای عمل با چنین مبنا ها و مراتب یقینی است و کاری به تخته سفید دانشگاه ندارد ، بدیهی است ممکن است یک کشور در بعضی شاخص سرآمد بوده و در بعضی دیگر افت و خیزهای زیادی داشته در بحث های بعدی نسبت به اولویت بندی شاخص ها بحث خواهد .

معیار چیست و فلسفه رفع نقص از معیارها چیست؟

What is a Criterion and what is the Philosophy of Criteria for Defectiveness?

اندازه، پیمانها، مقیاس، میزان، ضابطه، ملاک، محک، سنگ محک، سند و نظیر این مقیاسات را معیار گویند ، شیر یا آب را با پیمانها می سنجند ، محلول های دارویی را با قطره کشان ، جسم صلب را با ترازو وزن کرده و یا حجم آنرا با اوزان حجمی و طلا را با زر سنج و برای هر مقیاسی در رابطه با شئی مورد نظر، سنج وجود دارد و اگر ابداعی صورت گرفت باید مقیاس و ابزار سنجش آن معلوم شود ، سنجش ارزشی بر سنجش وزنی اولویت دارد در صادرات / واردات یعنی تجارت خارجی ، این ارزش است که ملاک مازاد تجاری محسوب میشود ، مازاد وزنی دلالت بر خام فروشی دارد ، امانوئل کانت ، برای عقل سنجش خردناب (**Critic reinen Bernunft**) را بکاربرد به زبان آلمانی ، بنابراین در حکمت ؛ فلسفه و علم که ضرورت ها و کشف حقایق را پی میگیرند ، این صلاحیت را دارند که هم مقیاسات را ابداع کنند و هم اسباب سنجش آنرا ابداع کنند این از خصایص دانشوری است ، در آمار انحراف معیار (**standard deviation**) که با نماد زیگما (σ) نشان داده می شود یکی از شاخص های پراکندگی است که نشان می دهد به طور میانگین داده ها چه مقدار از مقدار متوسط فاصله دارند. اگر انحراف معیار مجموعه ای از داده ها نزدیک به صفر باشد، نشانه آن است که داده ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی اندکی دارند؛ در حالی که انحراف معیار بزرگ بیانگر پراکندگی قابل توجه داده ها می باشد. انحراف معیار برابر باریشه دوم واریانس است. ترجیح آن نسبت به واریانس، این است که هم بُعد با داده ها می باشد.

قرآن برای جامعه و امت مقیاس "وسط" (**average**) را بکار برده که رئیس مجموعه ارقام پیوسته و ناپیوسته است (**that is the head of a series of continuous and continuous figure**) در بعضی تفسیر از آن بمعنی " بهینه " یاد شده که بهینه پاراتو را باطل میکند ، انحراف معیار برای تعیین ضریب اطمینان در تحلیل های آماری نیز به کار می رود. در مطالعات علمی، معمولاً داده های با اختلاف بیشتر از دو انحراف معیار از مقدار میانگین به عنوان داده های منحرف در نظر گرفته و از تحلیل، خارج می شوند، انحراف معیار (**Standard deviation**) از دو واژه تشکیل یافته است. جزء اول یعنی انحراف به میزان دوری هر عضو یک مجموعه داده از مقدار میانگین گفته می شود، واژه

معیار نیز به معنی استاندارد بودن این مقدار است، هر چه انحراف معیار مجموعه‌ای از داده‌ها عدد پایین‌تری باشد، نشانه آن است که داده‌ها به میانگین نزدیک هستند و پراکندگی اندکی دارند. در صورتی که انحراف معیار عدد بزرگی باشد، نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها زیاد است، پس انحراف معیار، عددی برای نشان دادن میزان پراکندگی اعضای یک مجموعه از داده‌ها است و اساس عدالت توزیعی در جامعه است.

اگر در یک جامعه افرادی باشند که در ماه 200 دلار دستمزد دارند و در همین جامعه کسانی باشند که ماهی 100.000 دلار درآمد دارند در چین جامعه ای عدالت نیست و حقوق معیشتی چنین جامعه ای مختل می‌باشد (به مقاله این مولف در حقوق معیشتی مراجعه شود)، واریانس به صورت «مقدار متوسط مربع اختلاف مقادیر از میانگین» تعریف شده است، **شش سیگما** یک استراتژی تحول سازمانی است که موجب توسعه و گسترش متدهای مدیریتی، آماری و نهایتاً حل مشکلات شده و به کمپانی امکان جهش و تحول را می‌دهد. **شرکت موتورولا**، در سال‌های دهه ۱۹۸۰ برای نخستین بار شش سیگما را رایج ساخت. شرکت الید سیگنال در اوایل دهه ۱۹۹۰ آن را به کار بست و شرکت جنرال الکتریک آن را به **پرطرفدارترین فلسفه مدیریتی تاریخ تبدیل نمود**. فازهای مختلف اجرای شش سیگما تعریف شده که همه سازمانها باید از قواعد مفید آن تبعیت کنند، این قاعده مختص صنایع نیست، **به بانک ها، دانشگاه ها، نظام پزشکی، مدارس و غیره مربوط میشود**.

شش سیگما یک نگرش منضبط، داده محرک و روشی برای حذف عیب‌ها در هر فرایند و محصول می‌باشد. این فرایند از ساخت تا فروش را در برمی گیرد و شامل همه محصولات و خدمات ارائه شده از سوی یک سازمان می‌گردد، همه افراد یک سازمان بدون توجه به موقعیت سازمانی باید در پیاده‌سازی شش سیگما مشارکت داشته و از آن تأثیر پذیرند. برخلاف دیدگاه بسیاری از افراد که شش سیگما را مجموعه‌ای از راز و رمزهای مهارتی معرفی می‌کنند که تنها قابل دسترسی برای افراد با تحصیلات بالای دانشگاهی است، شش سیگما برای تمامی افراد سازمان قابل فهم است؛ به گونه‌ای که در پایان اجرای آن در یک سازمان، همه افراد مهارت‌های خاصی را به دست خواهند آورد. شش سیگما سیستمی است شامل مجموعه‌ی از تکنیک‌ها و ابزارهای بهبود مستمر برای تمرکز بر فرایندها، تحلیل و مقایسه آن‌ها و تخصیص منابع به فرایندهایی که نیازمند توجه بیشتر هستند، **موضوع احکام بی مصداق (untruth) در قاعده "مصداق نظری، مصداق عملی، مصداق حقوقی" اشاره ای به لایه ها و زنجیره های ظلم در جامعه و لزوم خبرگی میان رشته ای برای مدیران و سازمان ها در سراسر جهان دارد، یعنی هیچ لایه ای از زوایای سازمانی نباید از دید مدیر مخفی بماند**.

مناط چیست و چه نقشی در دانش مفید دارد

What is the basis and what role does knowledge play

مناط به معنی مقصد، مطلوبیت، اولویت بندی، تمیز کردن موارد غلط از درست؛ مربوط بودن، تعلق داشتن، علت امر مجاز، سند، حجت؛ ملاک و میزان است، منوط کردن کلامی به مفردات و مداخل آن، از شاخه به شاخه دیگر نپریدن، تخریب مناط و رجوع به انتزاع ذهنی نشدن، سنخیت علت و معلول مثل اینکه حکم کنند که ربا حرام است ولی بانک با 43 درصد از مشتری نگون بخت ربا بگیرند (و این زنجیره تا آنجا ادامه یابد که عده کمی کل ثروت یک ملت را در مدت کوتاهی تصرف عدوانی کنند)، مثل دیگر اینست که یک نفر در منصب و جایگاه های مهم ثروت باد آورده بچنگ زده و حالا خیریه باز کرده و شرکت های زیر مجموعه خیریه مشغول چپاول هستند، اگر حکمی

درست ، منطقی و مسلم و یقینی باشد دارای مناط سالم و گر نه مخدوش ورد کردنی است ،مناط باید بر پایه نص باشد(**در این دقایق به هزاره اول ثلاثی این مولف که ضمیمه است مراجعه شود**).

برای اطلاع بیشتر "تنقیح" به معنای خالص کردن و زدودن زوائد از هر موضوعی ، فعلی ، آماری ، گزارشی و غیره است و "مناط" از اناطه بمعنی متعلق کردن اصل موضوع به گزارش یا اقدام دیگر است که به معنای علت است، اصطلاح "تنقیح مناط" به معنای کنار گذاشتن اوصاف و شرایطی است که ارتباطی در علت حکم ندارند، یعنی فضولی (**meddling**) هستند ،در اینجا به قاعده ای دیگری به عنوان اتحاد در اهداف (**Unity in goals**) موسوم است ، مثلاً مدیر یک بانک بزرگ می خواهد در هر سال ، ده خلاقیت جدید در امور بانکداری خود وارد نماید و این خلاقیت ها از ناحیه پرسنل بانک باشد بطوریکه بانک یا فرد خلاق از مراکز تحقیقاتی جهانی جوایز ارزنده ای دریافت دارند و آوازه بانک را ارتقاء بخشند ، این بانک باید برای این هدف بزرگ ، سراسر بانک و مناسبات آنرا منوط باین هدف نماید ، این بمعنی "مناط" است ؛ **شاخص ها ، معیارها ، مناط ها و سایر**

سنجش ها و نسبت های مالی ، اقتصادی ، تجاری ، اجتماعی و غیره این معجزه را برای سازمان ها ایجاد میکنند، این جولانگاه آینده سازمان ها است.

مقیاس چیست و چه نقشی در دانش مفید دارد؟

برای خلاقیت خود به مقیاس ، سنج و ملاک نیاز دارید چطور قیاس میکنید که فکر شما از فکر فلان شخص برتر است ، همانطور که مقدار کار مقیاس و اندازه و ابزار سنجش دارد ، کارآفرینی هم مقیاس دارد ، حرف زدن هم مقیاس دارد ، تمام معنویات ، ارزش ها ، اعتقادات ، مراتب یقین و غیره شاخص دارد ، این ها روح و قوای محرکه سازمان است (**به هزاره اول ثلاثی از مولف مراجعه شود**).

What is scale and what role does it play in useful knowledge

You need scale, measure and property for your creativity, How do you compare your thinking to that of a person who is a thinker?, As the amount of work is measured by the scale and measure of the tool, Entrepreneurship has scale too, Talking also has a scale, all spirituals, values, beliefs, certainties, etc. are indexical, These are the driving spirit of the organization (refer to first Millennium trilateral from author).

بحث چهارم: خلاقیت ، کارآفرینی ، بهره وری ، ارزش افزوده کارکردهای خودش را نشان میدهد

خلاقیت ، کارآفرینی ، بهره وری و نتیجه آن ، ارزش افزوده با شاخص ها ، معیارها و مناط های مشخص ، طرح ریزی و برنامه ریزی میشود، این مجموعه و فرایند آن ، انگیزه ها و کنجکاوای های نیروی انسانی برای سرآمدی و اعتلای سازمان تحریک میکند و مایه های عشق و اشتیاق را در روح سازمان میدهد ، هزاران شاخص، معیار و مصداق از خلاقیت ، کارآفرینی ، بهره وری و ارزش ها در اینترنت منتظر شماست ، شما نیازمند مفسر مناط ، دیتا شناسی ، و ادبیات و هرمنوتیک این تشخیص ، مشاور خبره و میان رشته ای ، فرایندها و نتایج آن هستید.

Fourth discussion: creation, entrepreneurship, productivity and value added Show successfully and truth function

Creation, entrepreneurship, productivity and value added and their results are define by indices , scales and basis, planning and programming ,this complex stimulates its process excited to provocation and curiosity of the manpower for mastering and exaltation and the essence of love and desirables permeates into origination's spirit,.....and You need an interpreter for areas, data, Literature and hermeneutics of this diagnosis are expert and interdisciplinary consultants, its processes and outcomes.

بحث پنجم: سازمانها مسئول عدالت اجتماعی هستند از طریق ایجاد زنجیره ها و خوشه های توسعه پایدار

Fifth discussion: the organizations are responsible about social justice by the way of creation chains and clusters in permanent development

سازمان ها نیازمند افکار بزرگ و اقدامات و تلاش هم مقیاس با بزرگ اندیشی هستند ، اگر کسی بزرگ اندیشی کند ولی مطابق با آن فکر و آرزو تحقیق و تلاش نکند ، بزودی شکست می خورد ، کار های مقطعی مخالف ایده های بزرگ و ناماندگار است ، ایده بزرگ برای هزاران سال ماندگاری دارند و سازمان های چند صد سال در جهان موجود است ، دکترین ، شعار ، استراتژی ، اهداف و نظیر اینها ، استعداد های قوی برای پایداری سازمان است ، منتهی باید روح ایده بزرگ توسط قواعد آن در ابزار ها و دستور العمل ها و رفتار های نیروی انسانی سازمان متجلی و فعال شود وگرنه تا کنون بیش از 80 درصد از سازمان ها که استراتژی تدوین کردند ، شکست خوردند ، تضمین ماندگاری و توسعه و پیشرفت سازمان منوط به وصل حلقه های سازمان با حلقه های اجتماعی است ، اگر بانکی به یک شغل خانگی وام داد و بین زنجیره خودش و بین این شخصیت خانگی با زنجیره اجتماعی دارای یک مثلث هم پیوسته نبود ، هم بانک و هم شغل خانگی از هم پاشیده میشود و پایداری کردن کلیه مشاغل تا زمان از کار افتادگی به سازمان ها و تعهدات اجتماعی آنها مربوط است ، به زنجیره های متوازن محمودیه (BM-chain balancing of Mahmoudyeh) به ارزش حلقات ، تعداد حلقات ، بالانس حلقات ، لجستیک متوازن ،و همچنین خوشه ها توجه شود (چنین سازمانی الگو جهانی خواهد شد).

Organizations need big ideas and measures and efforts are also scaled with great thought, if anyone thinks big but don't try and research according to that thought and idea, Soon it will fail, sectional work is opposed to big idea and Unstable, Great idea for hundreds of years of life and there are many hundreds life in the world, doctrine, slogan, strategy, goals and so on, it is the strong talents for sustain the organization, but the spirit of the great idea must be activated by human resources, instruments and suitable tools and otherwise, more than 80 percent of organizations have devised a strategy were fail, Guaranteeing the viability and development of the organization are depended to be joined

organizational circles whit society's circles , if a bank lends to a house-made job and between of its own chain and this homemade character and between the social chain did not have a continuous triangle , Both the bank and the home business are falling apart and Stabilize all jobs until failure organizations and their social obligations are relevant and to CBM-chain balancing of Mahmouddeyh with circle's value , number of loops, balance of loops, balanced logistics.....and Also pay attention to the clusters(**Such an organization will become a global model**).

فهرست مراجع: references

1. کتاب چهارم این مولف که ضمیمه است (fourth book from author)
2. شعرزندان ذهن از این مولف در وب سایت شخصی (poems from author)
3. ویکی پدیای دانشنامه آزاد (Wikipedia)
4. به مقاله این مولف در مورد فیلسوفان بدکردار و اشخاص شرور مراجعه شود (www.elmemifid.com) ، فیلسوفان بدکردار کتابی است که دو نویسنده انگلیسی به نام نایجل راجرز و مل تامپسون در سال ۲۰۰۴ نوشتند و توسط انتشارات پیتر اوون در انگلستان منتشر شد- Wikipedia
5. شعر زندان زمان حال از این مولف در وب سایت شخصی (poems from author)
6. به چکامه حدیث کلام از این مولف در وب سایت مراجعه شود (poems from author)
7. [Preparing for China's urban billion - Summary of findings](#)
8. <https://understandinginnovation.blog/2017/01/20/what-is-useful-8-knowledge>
9. 52hertz.com
10. ویکی پدیا ، دانشنامه آزاد (Wikipedia)
11. <https://www.isna.ir/new> 1آن-چه-از-تولستوی-به-یادگار-مانده